وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره ۲۶ | شنبه ۱۳ جدی ۱۳۸۲ | ۱۱ ذوالقعده ۱۴۲٤ - | 3 January 2004

سرمقاله

مدعیان اکثریت اقلیت شدند

ص۲

اساسی قانون باید داکثریت او اقلیت دگټو تضمینوونکی وی

ص۲

در نزدهمین روز لویه جرگهٔ قانون اساسی





- اکثرمردم از نمایندگان مردمگرا پشتیبانی می کنند
- بیش از ۲۷۰ نماینده، در رأی دهی حصه نگرفتند
- بر رسمیت هویتِ اقوام پافشاری شد
- چرخش بزرگی به نفع مردمگراها رونما گردیده است
- نمایندگان مردمگرا به اعتصاب غذایی دست زدند

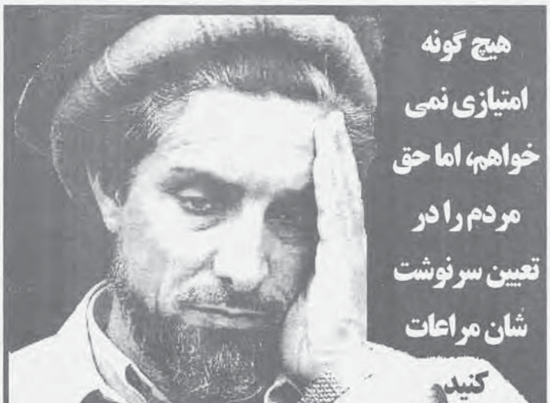


لویه جرگه در نزدهمین روز، در حالی به کار آغاز کرد که در آغاز تعداد نامعلومی از نمایندگان، رأی شماری را راهی برای تحمیل مسودهٔ قانون اساسی می دانستند. خانم مهسا طایع نمایندهٔ انتصابی، نخستین سخنرانی بود که مداخلات و تقسیم بندی نماینده ها به اساس قومیت و لسان را محکوم نمود و گفت که در این جا هیچ کسی برای تأمین منافع شخصی و گروهی نیامده بود، اما دست هایی کار کرد و در بین نمایندگان، تخم نفاق را کاشت.

با این حال در آغاز به خواست های نمایندگان مردمگرااهمیتی داده نشد و هیأت مدیره لویه جرگه با برشمردن چند ماده از مسودهٔ قانون اساسی و قرائت چند مادهٔ ص۳

عبدالمهیمن

قهرمان ملی و جفا در مسودهٔ قانون اساسی



با شناختی که من از احمد شاه مسعود شهید (رح) دارم، باور دارم که اگر او زنده هم می بود حالا پس از این همه حق ناشناسی حاضر نمی شد که تمام امتیازات ممکن را نیز به نام خود بپذیرد، چه رسد به آن که نام بلند و قهرمانش را روی جاده یی بگذارند و بگویند: جاده، مسعود بزرگ!

برای طرح چنین مسأله یی دلایلی نیز دارم. مسعود در زمان حیات خود چندین مرتبه حاضر نشد تا رتبه، جنرالی را که یک بار از طرف حضرت صبغت الله مجددی رئیس دولت مؤقت مجاهدین، بار دیگر ص۴

عزیز الله واصفی:

اغراض سیاسی خود را بر ملت تحمیل نکنید

عزیز الله واصفی یکی از شخصیت های مهم سیاسی کشور در نزدهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی، پس از آن که نمایندگان مردمگرا برای اعلام خواسته های شان، بلندگوی لویه جرگه را به دست آوردند، گفت:



ما و شما همه یک ملت هستیم و مسأله، پشتون و غیر پشتون را همین ملل متحد به وجود آورد. من برایشان گفتم که این ملت داغدار را به نام پشتون و غیر پشتون جدا نسازید و اغراض سیاسی خود را بالای این ملت غریب و بدبخت تحمیل ننمایید.

آقای واصفی به ادامه، سخنان خود گفت: کسانی که فساد را دامن می زنند، خائن و لعین اند و پس از این نباید در میان نمایندگان کسی را به نام پشتون، تاجک، هزاره، ازبیک و غیره یاد کنیم.

عزیز الله واصفی هم چنان نمایندگان مردم را به انعطاف و خویشتن داری دعوت نمود و از هیأت مدیره، لویه جرگه تقاضا کرد که به همه نمایندگان فرصت بدهند تا سخنان خود را ابراز بدارند.

گفته می شود که آقای واصفی هم از مخالفان رأی گیری می باشد.

دستی که بیش از ۲۷۰ انگشت داشت و چند تناقض دیگر

عبدالمقدس

در هجدهمین روز لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی هنگامی که عده یی از نمایندگان بر نحوه، تصویب قانون و نارسا بودن طرزالعمل اعتراض نموده و به جای رأی گیری خواستار تفاهم ملی برای تصویب قانون گردیدند، رسانه های دولتی که همیشه به ساز دولت می رقصند، خبر دادند که تعداد این عده از نمایندگان از انگشتان یک دست فراتر نمی رود.

در روز نزدهم لویه جرگه وقتی که رأی گیری از طرف عده یی از نمایندگان تحریم گردید، معلوم شد که تحریم کنندگان بیشتر از ۲۷۰ نماینده اند. آیا حالا مردم حق دارند که از مسؤولان رسانه های دولتی بپرسند که این چگونه دستی است که بیش از ۲۷۰ انگشت دارد؟ ص۳

آقای یونسی سخنگوی جناح مردمگرا در لویه جرگه:

چرا از پارلمان می هراسید؟



در نزدهمین روز لویه جرگه، تصویب قانون اساسی، پس از آن که نمایندگان مردمگرا دست به اعتصاب غذایی زدند و رأی گیری را تحریم نمودند، اعلام داشتند که خواست های مردمی خود را فقط با نمایندگان یوناما و اتحادیه، اروپا در میان خواهند گذاشت؛ آنان می گفتند که دولت انتقالی ص۴

مجاهـــد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

مدعیان اکثریت اقلیت شدند

فضای سیاسی در هجدهمین روز لویه جرگهء تصویب قانون اساسی و موضعگیری های جناح مردمگرا و پارلمان طلب، رسانه های خبری دولتی و حامیان بین المللی دولت را واداشت تا جناح پارلمان طلب را یک اقلیت ناچیز کمتر از انگشتان یک دست وانمود کنند.

این تبلیغات به حدی وسیع و گسترده بود که حتی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در صحبتی گفت که اینان یک عدهء معدود اخلال گران اند و هیچ گونه پایگاهی در میان مردم ندارند.

یک روز پس از این وقایع در نزدهمین روز لویه جرگه با نشر مستقیم مراسم لویه جرگه، به نظر رسید و ثابت گردید که پایگاه مردمی این به اصطلاح چند نفر معدود، گستردگی بسیار وسیع در میان مردم دارد و بعد از ارایهء طرح های آنان دانسته شد که تقاضا های معقول و مشروع آنان از جذابیت بیش از حد برخوردار است و مورد حمایت مردم ما قرار دارد.

جریان روز نزدهم لویه جرگه با تشریح موضعگیری های خردمندانه و دور اندیشانهء جناح مردمگرا ثابت ساخت که این حرکت از میان ملت افغانستان برخاسته و خواسته های آنان از اعماق قلوب مردم سرچشمه گرفته است که همه آرزوی تأمین وحدت ملی، ختم بحران، پاسداری از عزت و غرور ملی و احترام به هویت همه اقوام ساکن در کشور را دارند.

رسالت این حرکت ملی، برخلاف پندار برخی جهات مغرض، همانا انعکاس دادن درد ملت است و بس. موضعگیری های مشروع جناح مردمگرا نشان داد که اینان به کدام گروه سیاسی ویژه، سمت، قبیله و زبان خاصی بستگی نداشته و طرح های افغانستان شمول را ارایه می دهند.

باید همه آنانی که برای یک افغانستان آرام و باثبات می اندیشند، این نکته را در محراق توجه خویش قرار دهند که تصویب قانون اساسی به مثابهء وثیقهء مهم ملی، نباید بر معیار اکثریت و اقلیت صورت گیرد. یگانه راه حل در این راستا همانا برقراری تفاهم میان جهات مطرح در لویه جرگه است که با فراهم شدن آن و تحقق قناعت ملی، امکان حمایت قاطبهء مردم از قانون اساسی نیز فراهم می آید.

بر بنیاد چنین منطقی، به باور ما راه حل بحران کنونی نه زور گویی است و نه خودمحوری. بلکه این تفاهم است که می تواند به بحران حاکم در فضای لویه جرگه پایان دهد و باید با همه شخصیت ها و جهت های ملی اندیش تفاهم صورت گرفته و قانون اساسی نیز بر اساس تفاهم ملی تصویب گردد.

زورمداری بیطرف نیست

ابوبکر سبزوار

هواداران نظام های مبتنی بر دموکراسی مدعی اند که باید مردم سالاری بیطرف باشد تا بتواند جریان آزاد اندیشه ها و اطلاعات را تضمین نماید. وقتی چنین شد، آرا و عقاید متضاد می توانند آزادانه ابراز شوند و آزادانه مورد تحلیل و نقد قرار گیرند و اعضاي جامعه مي توانند نظري را كه بهترين انديشه‌ها مي يابند، برگزينند. از آن رو بايد بيطرف باشند كه گروههاي اجتماعي بتوانند حق انتخاب داشته باشند و بتوانند كساني را برگزينند كه نظر شان را با نظر خويش نزديک و يا همانند بيابند.

عبور از مرحلهء انتخاب به مرحلهء مهم مشارکت، نیاز به بیطرفی مردم سالاری را بیشتر و برجسته تر می سازد. اگر مردم سالاری بیطرف نباشد، مشارکت به خوبی

اگر حرف متخصصان وزن بیشتر از سخنان نمایندگان دارد پس به فراخواندن بیش از پنجصد تن به نمایندگی از ملت و این همه مصارف و داد و فریاد و سنگ ملت را به سینه زدن چه معنی داشت؟

عمل نخواهد کرد و بیطرفی است که مرز های نظام مردم سالار را در جامعه گسترش می بخشد. اگر آزادی دو جریان اطلاعات و معلومات و اندیشه‌ها کامل باشند، يعني سانسورها، از هر نوع، ملغي باشند، جامعه بهترين انديشه را بر مي‌گزينند. لذا، به ميزاني که سانسورها حاکم هستند، انديشه يي که اکثريت بر مي گزينند، از بهترين انديشه دور مي‌شود. عقلی که به زورمداری معتقد است این نظر را نمی پذیرد.

در جریان لویه جرگه ما شاهد تلاش های زورمدارانه برای به کرسی نشاندن نظراتی بودیم که بسیاری از نمایندگان ملت با آن توافق نداشتند اما در برابر تصامیمی که از قبل گرفته شده بود ناچار به سکوت و همراهی شدند. همه می دانیم که این تصامیم در کجا گرفته شده بود و اگر فراموش هم کرده باشیم باید بیاد بیاوریم که روزنامهء (نیویارک تایمز) در یکی از شماره های خود در روزهایی که لویه جرگه به روزهای آخر نزدیک می شد نوشت که ایالات متحده طرفدار برقراری یک نظام ریاستی در افغانستان است تا مستر کرزی را در برابر رقبایش در موقعیتی برتر قرار دهد. و شخص آقای کرزی نیز وقتی که مداخله های دولت در امور لویه جرگه به اوج خود رسید، در یک کنفرانس مطبوعاتی علنا اعلام داشت که فقط یک نظام ریاستی چارهء همه درد های این ملت است و او از چنین نظامی جانبداری می کند. روی این مساله هیچ نوع سازش صورت نخواهد گرفت و دیگر زمان سازش ها و معامله ها به پایان رسیده است.

جناب کرزی به عنوان رئیس جمهور دورهء انتقالی باید بیش از هر کس دیگری با بی طرفی به این مسأله برخورد می کرد اما او برعکس با لحنی تهدید آمیز و به اصطلاح خودش (بد قار) در مسأله یی که هنوز نمایندگان مردم روی آن به توافق دست نیافته بودند به اظهار رأی پرداخت.

سانسور هایی که در جریان لویه جرگه بر نمایندگان تحمیل گردید در داد وفریاد ها و نهیب های آقای مجددی خلاصه نشد. سانسور هایی که با تحریف نظریات ارایه شده در کمیته ها به میان آمد، چنان بی پرده و رسوا بود که گردانندگان لویه جرگه ناچار شدند تا به حقیقت اعتراف کنند. مجددی در برابر این سوال که چرا تعدیلاتی که در کمیته ها روی آن توافق صورت گرفته بود در کمیتهء تفاهم تغییر داده شده گفت که متخصصان با دلایل شان ما را قانع ساختند که اعمال چنان تغییرات درست نیست.

در اینجا این سوال مطرح شد که اگر قرار باشدمتخصصان حرف آخر را بزنند، پس نمایندگان ملت در این میان چه کاره اند؟

اگر حرف متخصصان وزن بیشتر از سخنان نمایندگان دارد پس به فراخواندن بیش از پنجصد تن به نمایندگی از ملت و این همه مصارف و داد و فریاد و سنگ ملت را به سینه زدن چه معنی داشت؟ آیا دادن حق ویتو به متخصصان در برابر رأی ملت به این معنی نیست که ملت سزاوار گرفتن تصمیم و دادن رأی نیست؟

زورمدارانی که در دوسال گذشته از تفنگ سالاری شکوه سرداده بودند و آن را مانع مهمی سر راه زندگی سیاسی عادی در کشور قلمداد می کردند، اکنون خود همان راه را برنگزیده اند؟

کسانی که خواستار نظام ریاستی به شیوهء امریکا اند لااقل زحمت این تحقیق را به خود نمی دهند که در نظام ریاستی در امریکا، سنای این کشور از چه اندازه قدرت و صلاحیت برخوردار است.

مردم سالاري وقتي مي تواند ادعای بیطرفی کند که دولت یا هر نهاد دیگری در محدود کردن فضاي اجتماعي و سیاسی، زور بکار نبرد، ملت را بنام های مختلف در برابر هم قرار ندهد و برای تحکیم و گسترش قدرت خود از راههایی که خود در دیگران آن را بنام اقدامات نامشروع مورد انتقاد قرار داده است بهره نبرد.

در غیر آن تسلط زورمداری مجال و فضایی برای تجربهء دموکراسی باقی

آیا دادن حق ویتو به متخصصان در برابر رأی ملت به این معنی نیست که ملت سزاوار گرفتن تصمیم و دادن رأی نیست.

نخواهد گذاشت و عجیب است که نهاد هایی که دموکراسی و تطبیق حقوق بشر را در افغانستان تحت نظر دارند ترجیح می دهند که نظاره گر خاموش این جریان باشند.

پامیر

اساسی قانون باید داکثریت او اقلیت دګټو تضمینوونکی وی

داساسی قانون د مسودی دتصویب لپاره دمخکینی طرزالعمل له مخی لسګونی کمیټی جوړی شوی او په هره کمیټه کی پنځوس تنه راټول کړی شول ترڅو په جلاجلا توګه داساسی قانون په ټولو۱۶۰ موادو باندی غور او څیړنه وکړی، نظرونه تبادله کړی او هره ماده دافغانستان دخلکو دلوړو ګټو په نظر کی نیولو سره وارزوی، که لازمه وه تعدیل نی کړی، حذف نی کړی او یا دنوموړی مادی پرځای بله ماده ورزیاته کړی او بیا خپل نظریات دتفاهم په نامه یوی بلی کمیټی ته ولیږدوی او دغه کمیټه بیا دملت داستازیو منل شوی نظریات سره منسجم او په وروستی ورخ نی عمومی غونډی ته وړاندی کړی.

دبده مرغه مونږ ولیدل چی دغه پروسیجر په سمه او خپلواکه توګه تعقیب نه شو، دجرګی له هماغه پیل څخه دملت داستازیو اصولی او منلو غوښتنو ته پرواونه شوه، طرزالعمل چی باید دملت داستازیو له خوا جوړ شوی وی د دولتی ارکان له خوا جوړ او دجرګی په برخه والو باندی وتپل شو. دلسګونو کمیټو استازیو چی کوم بدلونونه منخ ته راوړی و هغه وروسته له هغی چی دتفاهم کمیټی ته وسپارل شول دمتخصصینو په پلمه ځینو دولتی مقاماتو په کی خپل شخصی دولتی علایق شامل کړل او کله چی مسوده دویم ځل دملت استازیو ته دبحث له پاره لاس ته ورغله نوځرګنده شوه چی ځینی ضروری نظریات له پامه غورځول شوی و او یا جعل شوی و.

دلونی جرګی په بل پړاو کی کله چی دځینو موادو دتعدیل له پاره دیو سلو یو پنځوس رایو اخیستل ضروری وبلل شول نو په دی وخت کی هم دلونی جرګی رئیسه هیات له دوه دوله متضاد چلند څخه کار واخیست، یعنی هغه مواد چی د دولتی متخصصینو او یو خاص فرکسیون دتایید وړو هغه په خپل حال پاتی شو او کوم چی بیا دومره ضروری نه و نودهغو په برخه کی داجرااتو سپارښتنه وشوه

دساری په توګه کله چی دافغانستان د دولت داسلامی پیوند دلری کولو له پاره له یوسلو یو پنځوسو څخه هم زیات نظریات راټول شول چی باید تعدیل شی نو په دی وخت کی دلونی جرګی رئیس محترم مجددی صاحب له خپل دیموکراتیک چلند څخه ۱۸۰ درجی انحراف وکړ او هغه ۳مخ

دستی که بیش از ۲۷۰ ...

حالا دیگر وقت آن فرارسیده است که مطبوعات دولتی، سیاست توجیه کردن را کنار بگذارند و به واقعیت ها بپردازند؛ چشم خود را به فرمایش این و یا آن دولتمرد از حقایق نپوشانند؛ زیرا این گونه موضعگیری ها می تواند اعتبار مطبوعات دولتی را (اگر اندکی از آن باقی مانده باشد)، جداً صدمه بزند. چنانچه که هم اکنون اگر لویه جرگه در میان نباشد، کسی حاضر نیست که تلویزیون افغانستان را تماشا کند و یا به اخبار فرمایشی آژانس باختر گوش فرا بدهد.

دولت انتقالی نماینده های پارلمان طلب یا مردمگرا را به همبستگی با احزاب و سازمان های سیاسی و کوشش در جهت تأمین منافع حزبی متهم ساخت؛ اما در نزدهمین روز لویه جرگه، قرار گزارش شب هنگام رادیو صدای امریکا، دولت از آقای کریم خلیلی معاون رئیس دولت، آقای محقق وزیر پلان، آقای کاظمی وزیر تجارت و عده یی دیگر از اعضای کابینه کمک خواست تا فروکشی را در تنش به وجود آرند. حالا این پرسش به میان می آید که

چرا دولت از یک طرف نمایندگان مردمگرا را به حزبی بودن متهم می سازد و از جانب دیگر خود از رهبران احزاب کمک می خواهد؟ و آیا ناکام ماندن تلاش های این افراد خود به خود همین معنا را نمی دهد که نمایندگان مردمگرا افراد مستقل و ملی اند و به تصامیم احزاب خود را مقید نساخته اند؟

با این همه تناقض، بحث اساسی این است که چگونه باید به بحران در لویه جرگه پایان داده شود؟

یگانه راهی که می تواند به پایان این بحران برسد، موضوع تأمین حقوق همه اقوام ساکن در سرزمین ماست. حق هیچ کس نباید نا دیده گرفته شود و طرح اقلیت و اکثریت و رأی گیری به میان بیاید.

رأی گیری با آن که رئیس دولت شخصاً حق ۵۲ رأی مثبت را برای خود حفظ کرده است چه اعتباری خواهد داشت؟ حالا که موضعگیری دولت در جهت کوشش برای تصویب مسودهٔ تهیه شده کاملا روشن گردیده است، کدام منطق می تواند حکم کند که رئیس دولت حق دارد ۵۲ رأی را به تنهایی در جمع آرای لویه جرگه داخل بسازد؟

رئیس دولت دیگر به عنوان یک جناح مشخص در لویه جرگه مطرح شده است و مصاحبهٔ اخیر او نشان داد که به چیزی کمتر از تایید مسودهٔ از پیش تهیه شده راضی نیست. پس در این صورت باید صرف به ۴۵۰ نمایندهٔ انتخابی حق رأی داده شود تا یک قانون اساسی مورد تأیید ملت را به تصویب برسانند و اگر قرار است که این قانون را دولت با فشار و تحمیل نظریات خود به تصویب برساند، آیا می توان آن را قانون اساسی مردم افغانستان خواند؟

حتی جانبدارترین منابع خبری هم گزارش دادند که بیش از ۴۰درصد نماینده ها در رأی دهی سهم نگرفتند. این به آن معناست که صرف ۳۹درصد از نماینده ها در رأی گیری حصه گرفته اند، زیرا ۱۱درصد از نماینده ها انتصابی است و تعدادی رأی هم باطل حساب شده است و حتی تعدادی از رأی دهنده ها هم به نفع تحریم کنندگان رأی داده اند.

به اساس یک گزارش دیگر نمایندگان اقوام پشه یی، هزاره، ازبک، ایماق، تاجک، ترکمن و تعدادی از برادران پشتون، رأی دهی را تحریم نمودند. اگر بعد از چنین تحریمی بناز هم بر رأی دهی پافشاری صورت می گیرد، پس آیا نمی توان گفت که این قانون برای همهٔ مردم افغانستان به تصویب نمی رسد و صرف عده یی معدود در پی برآورده شدن منافع شخصی و گروهی خود افتاده اند؟

در جستجو برای یافتن راه حل، فقط به یک نتیجه می توان رسید و آن این که هر دو جناح مردمگرا و تمامیت خواه باید به انعطاف هایی تن در دهند. جانب دولت بر یک نظام ریاستی مطلقه پافشاری دارد و نمایندگان مردمگرا از یک نظام پارلمانی مقتدر حمایت می کنند. بناء راهی که می تواند از میان دو نظریهٔ متضاد ریاستی وپارلمانی بگذرد یک نظام مختلط برای آیندهٔ افغانستان است.

قانون اساسی آینده حتی اگر با رأی گیری هم به تصویب می رسد باید با یک اکثریت قاطع تصویب شود. حد اقل باید ۷۵درصد از نمایندگان در جهت تصویب قانون اساسی رأی مثبت بدهند. در غیر آن صورت، قانونی که صرف ۵۰درصد از نمایندگان در رأی دهی اشتراک نمایند و ۵۰درصد دیگر آن را تحریم نمایند نمی تواند پیامد های خوبی را به ارمغان بیاورد و این بدان معناست که قانون اساسی صرفاً برای بخشی از مردم به تصویب رسیده است نه برای تمام افغانستان.

رأی اقلیت و اکثریت از جانب دیگر هم می تواند مورد سوال قرار گیرد. همه می دانند که اهل هنود کاملاً در اقلیت قرار دارند و اگر آزادی اجرای مراسم مذهبی آنان به رأی گیری گذاشته شود، آیا آنان می توانند که این آزادی را در یک رأی شماری به دست بیاورند؟

بناء هم جانب دولت و هم جانب نمایندگان مردمگرا باید متوجه شده باشند که انعطاف و عبور از یک راه میانه می تواند به این بحران پایان ببخشد و نباید هیچ جناحی به خود محوری ترجیح بدهد و در پی طولانی شدن بحران باشد.

اساسی قانون باید داکثریت . . .

کسان چی په دی باب نی خپل نظر دخپنو دلایلو له مخی وراندی کړی و هغوی ته ئی د بی دینه او کافر خطاب وکړ چی دغه جریان نه یواخی دلوئی جرګی اکثریت استازیو ته دمنلو ور نه و بلکی داروپائی تولنی داستازی فرانس ویندرل له پاره هم دزیاتی اندیښنی وړ وګرځید.

فرانس ویندرل له خپنو خبریالانو سره په خپله مرکه کی وویل: «سره له دی چی زه دلوئی جرګی رئیس صبغت الله مجددی ته د یو شیخ او صوفی په توګه درناوی لرم خو دهغه دغه راز حرکت او افراطی عمل چی زیاتره وخت ناوړه عواقب لری دتایید ورنه بولم بلی! د مجددی صاحب په دغه راز غیر دیموکراتیک حرکت دلوئی جرګی اکثریت استازی خپه شول او په تیره بیا هغه چا چی ددغه پسوند دلری کولو غوښتنه کړی وه هغوی له زیاتی خواشینی سره مخامخ شول او وروسته ئی له انتخاباتو سره هم بایکاټ وکړ.

بله دیادولو وړخبره داده چی دغه لویه جرګه دیو ستر او له مسئولیت نه ډک کار دسرته رسولو له پاره جوړه شوی او هدف دادی چی دهیواد ټول استازی د ورو اوپیووالی په فضا کی دلانجو وړ موادو په باب په ښه نیت اونفاهم سره یوی موافقی ته ورسیږی چی البته دغه راز یوه موافقه به هم داکثریت له پاره او هم داقلیت له پاره دمنلو وړ وی، خو موږ ولیدل چی دجرګی د رئیس له خوا دتفاهم او دنظریاتو دراکړی ورکړی پرځای رای ګیری غوره وبلل شوه چی په دغه راز ټول پوښتنی کی بیا یواخی اکثریت ګټندوی وی او اقلیت بیا تل په تاوان کی وی چی دهمدغه درک له مخی زیاتو استازیو رای ګیری تحریم کړه دساری په توګه موږ ولیدل چی دازبکی ژبی له پاره له دووسوونه زیاتی رائی راټولی شوی وی چی باید دپښتو او دری ژبو په څنګ کی دریمه رسمی ژبه وپیژندل شی خو دټول پوښتنی په صورت کی یواځی(۶۰) تنه ازبکان په لویه جرګه کی موجود دی چی دغه راز غوښتنه ئی هیڅ کله هم نه پوره کیږی او نه څه لاس ته راوړلای شی.

زموږ هیله داده چی په لویه جرګه کی دفرکسیونی، قومی او نژادی سنګر نیونی پرځای دټولو استازیو تر منځ دملی یووالی او وحدت په رڼا کی یواځی او یواځی دهیواد دلوړو ګټو له پاره یو واحد سنګر جوړ شی او د نیک تفاهم له مخی ټولی مسالی او ستونزی دحل لاره پیدا کړی او داسی یواساسی قانون جوړ او تصویب شی چی په هغه کی اکثریت او اقلیت بی له دی چی دکوم قوم او ملیت پوری تړلی وی خپل اصلی هویت ووینی او داډ پیدا کړی چی حقوق ئی چانه دی غصب کړی او قانونی حیثیت ئی دتل له پاره خوندی پاتی دی.

موږ بوخپل بیا دلوئی جرګی له ټولو شاغلیو استازیو څخه هیله من یوو چی داساسی قانون دمسودی دهری مادی په څیړنه کی یواځی دلوی څښتن تعالی خپل ملت او خپل تیر تاریخ ستر او ملی ارزښتونه په پام کی ونیسی. دهرډول تطمیع، معرفت، زور او پیسو په وړاندی خپله سرلوړی او تاریخی وجدانی رسالت له لاسه ورنه کړی که نه دراتلونکیو دقضاوت په وړاندی به تل شرمیدلی او سرټیټی وی.

در نزدهمین روز لویه جرگهٔ ...

پیشنهادی اعلام کردکه رأی گیری را انجام می دهد.

در این میان هیأت مدیره اخطار کرد که اگر کسی در رأی گیری اشتراک کند یا نه، مهم نیست. این اخطار به منظور در هم شکستن صف نمایندگان مردمگرا صادر گردید، اما طوری که بعداً دیده شد، نتیجه یی نداشت و جمع کثیری از نمایندگان در رأی دهی اشتراک نورزیدند.

در این حال عده یی از اعضای کابینه بر این نمایندگان فشار وارد کردند تا به پای صندوق های رأی بروند. نمایندگان اعتراض کننده، با این عده از اعضای کابینه با سردی برخورد نموده و به پای صندوق رأی نرفتند.

نمایندگان معترض تا ساعت ۴ بعد از ظهر، الی موافقهٔ هیأت مدیره برای بازگو کردن خواسته های جناح مردمگرا به اعتصاب غذایی پرداختند و اظهار داشتند که پس از این فقط با نمایندهٔ یوناما و اتحادیهٔ اروپا مفاهمه می نمایند و بس.

در جلسهٔ بعد از ظهر پس از آن که گردانندگان لویه جرگه به کثرت تعداد این نمایندگان متوجه شدند، از نمایندهٔ آنان دعوت صورت گرفت تا خواسته های جناح مردمگرا را مطرح نماید. در چنین موقعی بود که یک چرخش بزرگ در کار لویه جرگه رونما گردید و تمام آن ادعا هایی که گویا نمایندگان مردمگرا از تعداد انگشتان دست بیشتر نیستند، مورد سوال قرار گرفت.

نمایندگان معترض خواست ها و تقاضا های خود را مطرح نموده و گفتند که تمام این خواست ها مشروع و مملکت شمول است و حاضر هستند در مورد هر یک از مواد پیشنهادی خود به گفتگو و مباحثه بپردازند. در این تقاضا ها ایجاد پارلمان مؤقت، نداشتن تابعیت دومی و همسر خارجی برای وزراء، سپردن صلاحیت نشر پول به پارلمان، تعیین حدود برای صلاحیت های رئیس جمهور، تعدد در معاونان رئیس دولت، رسمیت یافتن زبان ترکی، سرود ملی مورد قبول همهٔ مردم، ایجاد دیوان عالی قانون اساسی و چند مورد دیگر تذکر داده شد.

جناب حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه گفت که در اکثر موارد من هم با شما موافقم، از جمله در مورد تابعیت دوگانهٔ وزرا، اما باید ترک تابعیت دومی بعد از تقرر صورت بگیرد.

بعداً جناب عزیز الله واصفی به سخنرانی پرداختند و نمایندگان مردم را به کاستی های طرزالعمل لویه جرگه و نواقص مسودهٔ قانون اساسی، متوجه ساختند. نمایندهٔ ولایت بغلان گفت که ما سیزده نفر هستیم و حق داریم که پیشنهادات مشخص خود را داشته باشیم. او گفت که سرود ملی باید افغانستان شمول باشد و تابعیت دوگانه و همسر خارجی برای وزرا ممنوع قرار داده شود.

زمانی که داکتر فاروق وردک بار دیگر در پشت بلندگو حاضر شد و به نمایندگان گفت که در مورد مسألهٔ تابعیت دوگانه رأی شماری را شروع می کنند، یکی از نمایندگان ولایت بدخشان برخاست و گفت که ما رأی گیری را قبلاً تحریم کرده ایم و قبلاً در کمیتهٔ تفاهم فیصله شده است که وزرا تابعیت دوگانه و همسر خارجی نداشته باشند.

جناب مجددی رئیس لویه جرگه بعد از استماع نظریات جناح مردمگرا، لویه جرگه را برای روز جمعه تعطیل اعلام نمودند.

ناظران می گویند که با استفاده از فرصت پیش آمده به نام تعطیل در کار لویه جرگه، امکان قوی برای ایجاد تفاهم میان هر دو جناح به وجود آمده است. منابع بین المللی از تلاش های برخی شخصیت های بین المللی نیز در رابطه به ایجاد تفاهم گزارش داده اند.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشـــه هـــای مقـــالات غیـــر از ســـرمقاله لزومـــاً مبـــین آرا ومواضـــع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال دوم | شماره ۲۶ | شنبه ۱۳ جدی ۱۳۸۲ | ۱۱ ذوالقعده ۱۴۲۴ - | 3 January 2004

قهرمان ملی ...

بـاز هـم از جانـب حضـرت صـبغت الله مجـددی ممثـل دولـت اسـلامی افغانسـتان و بـار سـوم از جانـب اسـتاد برهـان الـدین ربـانی رئـیس دولـت اسـلامی افغانسـتان، بـرایش داده شـد، بپـذیرد. مسعود می گفت که من خود را شایستهٔ جنرالی نمی بینم ومعاونیت ریاست جمهوری را نیز رد نمود. حال آن که ارتش سرخ با همه ساز و برگ نظـامیی کـه داشـت و بـا آن هیبتـی کـه قدرتمندترین کشور های جهان را دچار تشویش ساخته بود، فرماندهان تحت امر مسعود (پناه شهید و گدا) را در اسناد های خود به نام های جنرال پناه و جنرال گدا ثبت کرده بودند. زیرا بعد از شکست هایی که از دست این فرماندهان متحمل گردیدند. به این باور رسیده بودند که این دو فرمانده تحصیلات ویژهٔ نظامی دیده اند و جنرال اند.

گفتیم حق ناشناسی در مورد قهرمان ملی شهید احمد شاه مسعود (رح) و اما نگفتیم که این حق ناشناسی از کجا سرچشمه گرفت.

مردم افغانستان که شهامت و ایثار مسعود بزرگ در راه اسلام، استقلال و تمامیت ارضی کشور را شاهد هستند، هیچ گاهی به حق این شهید جفا نکرده اند. حد اقل اشتراک وسیع مردم در مراسم نخستین و دومین سالگرد شهادت او که در همه ولایات کشور تجلیل شد، این امر را ثابت می سازد.

کسانی دیگر از هموطنان ما که در خارج از کشور به سر می برند، محافلی مشابه را در همان جا ها دایر نمودند و یاد قهرمان خود را گرامی داشتند. شخصیت های مهم بین المللی با اشتراک شان در کنفرانس های بین المللی مسعود شناسی نشان دادند که مسعود از اهمیتی به سزا در سرتاسر جهان برخوردار است.

چاپ تکت پستی به نام احمد شاه مسعود در فرانسه نشان داد که برای نخستین بار در یک کشور اروپایی تکت پستی به نام یک غیر اروپایی به طبع می رسد و به بازار عرضه می گردد. مهمتر از همه این که یک کشور اروپایی فارغان عالی ترین دانشگاه نظامی خود را به نام احمد شاه مسعود فارغ می دهد و به نام او افتخار می کند. بناء واضح است که چنین شخصیتی باید در کشور خود نیز مورد احترام قرار گیرد.

کمتر شاعری را از افغانستان می توان سراغ یافت که در سوگ مسعود بزرگ با سرودن شعری اظهار تأثر نکرده باشد و حتی در کشور های منطقه (ایران، پاکستان و تاجیکستان) شاعرانی در سوگ مسعود مرثیه سرایی کردند و شعر "مرثیه یی برای دشمن" از یک شاعر روسی، ثابت می سازد که مسعود شخصیتی عادی نیست و محبوبیت او حتی مرز های دشمنانش را نیز درنوردیده است. به همین گونه چندین عنوان کتاب بعد از شهادت احمد شاه مسعود در جهت تشریح کارنامه های قابل افتخار او به چاپ رسید. پس چگونه جفایی نسبت به این بزرگمرد تاریخ افغانستان صورت گرفت؟

این سوالی است که بعد از این همه ادای احترام نسبت به مسعود بزرگ، می تواند اذهان را به خود معطوف بگرداند که چگونه با وجود این همه ارجگذاری، از جفا نسبت به او سخن می رود؟ اما چنین جفایی صورت گرفته است.

در هنگامی که مسودهٔ قانون اساسی افغانستان ترتیب می گردید، تعریف و امتیازات قهرمان ملی از قلم انداخته شد و بدون تردید که در این رابطه چند متعصب و تنگ نظر تصمیم گرفته اند؛ ورنه چه دلیلی دارد که "بابای ملت!" مأخذ خود را از یک تصمیم تصویب ناشدهٔ لویه جرگهٔ اضطراری می گیرد و "قهرمان ملی" با همه مصوباتی که وجود دارد و با همه تجلیلی که از او صورت می گیرد از قلم انداخته می شود. مسودهٔ قانون اساسی از ذکر نام کسی خالی ماند که هم اکنون در نتیجهٔ فداکاری های او زمینهٔ برگزاری لویه جرگه، انتخابات و تصویب قانون اساسی فراهم آمده است. ما با آن که بخش





بزرگی از این فرصت به دست آمده را مدیون فداکاریهای احمد شاه مسعود شهید هستیم، اما او را فراموش کرده ایم. آیا ما حق داریم که در آینده کسی دیگر عمر عزیز خود را در راه حراست از منافع بزرگ ملی ما وقف کند؟ آیا ما در حق این بزرگمرد جفا نکرده ایم؟

قرار یک گزارش تایید ناشده، فامیل قهرمان ملی طی نامه یی تقاضا برده اند که هیچ گونه امتیازی به قهرمان ملی داده نشود؛ اما قهرمان ملی، دیگر سرمایهٔ همهٔ ملت است. او مرز های کشور ها را درنوردیده است و دیگر نمی تواند به فامیل خود منحصر باشد. این حق را اگر فامیل او می بخشد، مردم قهرمان ما نمی بخشند. زیرا





ما نمی خواهیم که از یک افتخار بزرگ خود محروم شویم.

و حالا که بحث هایی در لویه جرگه به خاطر درج امتیازات و تعریف قهرمان ملی در قانون اساسی به راه انداخته می شود..عده یی دیگر کوشش دارند که واژهٔ **مقاومت** را از مقدمهٔ قانون اساسی بر اندازند. حال آن که جا دارد یک مادهٔ مستقل در جهت تضمین امتیازات شهدا و معلولان دوران جهاد و مقاومت در قانون اساسی درج گردد. آیا چنین حرکاتی حق ناشناسی و ناسپاسی در برابر خون هایی نیست که در جهت دفاع از نوامیس ملی و حفظ تمامیت ارضی این سرزمین، ریخته شد و فدا گردید؟

نشریهٔ "پیمان ملی" از قول خانم شکریه بارکزی یکی از اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی می نویسد: «من نمی دانم که مقاومت توسط کی و در برابر کی؟»

به این خانم باید گفت که خودت شاید چیز هایی زیاد دیگری را هم ندانی و دانستن و ندانستن خودت معیار نیست؛ اما مقاومت را حتی کودکان هم می دانند که توسط کی و در برابر کی؟

من فقط توجه این خانم را به تصاویری از طالبان جلب می کنم تا همه چیز را به خاطر بیاورد؛ باور دارم که با دیدن این تصاویر او می داند که مقاومت توسط کی و در برابر کی؟

شخصیت بزرگ شهید احمد شاه مسعود محتاج معرفی و یادکرد در قانون اساسی نیست و او به آن پیمانه شناخته شده و محبوب است که دیگر به تعریف و تمجید من و تو نیازی ندارد؛ اما این تاریخ ماست که به حضور قهرمانی مانند احمد شاه مسعود ضرورت دارد و تاریخ ما نباید از این قهرمان خالی شود. بناء جا دارد که به این حق ناشناسی در حصهٔ قهرمان ملی و مقاومت گران پایان داده شود و آنان جایگاه شایستهٔ خود را در قانون اساسی دریابند

به پاسخ روزنامهٔ دولتی انیس

نه! دموکراسی همان است که زورمندان بگویند

روزنامهٔ دولتی انیس در شماره، روز پنجشنبه هفتهٔ پیش، با جعل کاری، تصویری از عبدالشکور واقف حکیمی را در حال صحبت کردن با جناب حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی به نشر سپرده و تذکر داده است که از دموکراسی سوء استفاده می شود.

به این آقایان باید گفت که دموکراسی (مردم سالاری) تنها مال شما نیست که این همه در مورد آن پریشان و مشوش هستید. کارکرد های شما در ۲ سال پسین نشان می دهد که تا چه اندازه به دموکراسی و آزادی و استقلال عمل باور دارید.

در ۲ سال پسین به پیمانه یی که سران وزارت اطلاعات و فرهنگ در مورد نقض آزادی بیان و سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولتی متهم بوده اند، هیچ کس دیگری نبوده است. افشای "آریانا گیت" کافی است که به عنوان یکی از دست آورد های دموکراسی در وزارت اطلاعات و فرهنگ خوانده شود و همین چند روز پیش، مدیر مسؤول روزنامهٔ انیس به خاطر اعمال قدرت و فشار وزیر اطلاعات و فرهنگ استعفای خود را پیش کرده بود که می تواند مظهری از دموکراسی در آن وزارت باشد.

و اما در مورد حضرت صاحب باید گفت که واقف حکیمی به ایشان از سال های نخستین جهاد به عنوان یک رهبر مطرح جهادی احترام دارد و هیچ گاهی هم در برابر او از بی احترامی کار نگرفته است؛ اما ما شاهد هستیم که یک روزنامهٔ دولتی (آرمان ملی) به خاطر چاپ مصاحبهٔ حضرت صاحب و افشای برخی اسرار شورای شهروندان کابل! مسدود می شود و تشکیلاتش از بین می رود.

بلی! به برداشت شما دموکراسی یعنی به نرخ روز نان خوردن و به دهل هر قدرتمند و دولتمرد رقصیدن!

دموکراسی یعنی جعل کاری برای توجیه امیال و خواسته های شخصی!

روزنامهٔ انیس با چنین عملکردی حد اقل آبروی خود را در پیش اشتراک کنندگان لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی به زمین ریخته است، زیرا آنان می دانند و شاهد هستند که چنان صحنه یی به عنوان بی احترامی و یا حتی اعتراض به آواز بلند، رخ نداده است.

حالا که حضرت صاحب ریاست لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی را به عهده دارد از او تمجید و تعریف می کنید، زیرا به نرخ روز نان خوردن این گونه چرخش ها را ایجاب می کند و اما ما منتظر هستیم تا موضعگیری های بعدی تان را نیز در قبال این شخصیت مهم جهادی به رخ تان بکشیم.

چرا از پارلمان ...

در رابطه به قانون اساسی جانبدار شده است و آزادی نمایندگان را نقض می کند.

بالاخره پس از تماس های هیأت مدیرهٔ لویه جرگه، آقای محمد گل یونسی به حیث سخنگوی جناح مردمگرا در پشت بلندگوی لویه جرگه قرار گرفت و تقاضا های آن جناح را برشمرد.

آقای یونسی گفت که ما را به تامین منافع گروهی و تنظیمی متهم می سازند، حالا با توجه به خواسته های مردم، ما بگویید که چه کسی در پی تامین منافع خود است، ما یا آنانی که می خواهند قانون را به شیوهٔ تحمیلی به تصویب برسانند؟

آقای یونسی ادامه داد که ما پارلمان مقتدر می خواهیم و باید رئیس جمهور در برابر مردم و نمایندگان ملت مسوول و پاسخگو باشد. هیچ دلیلی وجود ندارد که رئیس دولت از پاسخگو بودن هراس داشته باشد.

او هم چنان تأکید کرد که ترک تابعیت دومی و نداشتن همسر خارجی باید برای وزراء و مامورین عالیرتبهٔ دولت و افسران قوای مسلح یک شرط مهم باشد.

آقای یونسی هم چنان گفت که نشر پول باید در حیطهٔ صلاحیت نمایندگان ملت قرار داشته باشد و رئیس دولت و رئیس بانک مرکزی در این رابطه دست باز نداشته باشند، زیرا عواقب وخیم دارد. او بر ایجاد یک دیوان عالی ناظر بر تطبیق قانون اساسی تأکید نموده و افزود که کجای این خواسته های ما در راه تأمین منافع گروهی و حزبی است؟

آقای یونسی گفت که سرود ملی باید مورد قبول همهٔ ملت باشد و اگر نمایندگان ازبیک و ترکمن پیشنهاد دارند که زبان ترکی به حیث زبان سوم رسمیت یافته و در مناطقی از شمال کشور رسماً مورد استفاده قرار گیرد، این پیشنهادات چه باکی دارد؟

آقای محمد گل یونسی هم چنان تأکید کرد که رأی گیری در کار تصویب قانون اساسی یک اقدام غیرمنصفانه است. او مثال داد که اگر تصمیم گرفته شود که مثلاً ازبیک ها را از افغانستان اخراج کنند. این اقلیت چگونه می تواند در یک رأی گیری از خود دفاع نماید؟

سخنان یونسی تأثیری بس عمیق بر فضای لویه جرگه وارد ساخت و نشان داد که جناح مردمگرا واقعاً به گونهٔ افغانستان شمول می اندیشد. این تأثیر به حدی عمیق بود که حتی جناب حضرت صبغت الله مجددی گفت که من هم با شما در مورد نداشتن تابعیت دوگانهٔ وزراء موافقم، اما آنان باید پس از تقرر، تابعیت دومی خود را ترک کنند.